

لازم است ابتدا بدانیم وقف چیست و چه مفهومی دارد. وقف در لغت به معنای ایستادن، درنگ کردن، سکون، و اقامت کردن به کار رفته و در اصطلاح به حبس عین مال، ملک و مستغلات آن و جاری ساختن منافع آن در راه خدا گفته می‌شود. هرگونه نقل و انتقال مانند خرید و فروش، رهن، جابه‌جایی، میراث‌گذاردن و بخشیدن مال وقفی ممنوع است.

وقف تاریخیچه‌ای کهن و سابقه‌ای دیرینه دارد و در اسلام نیز به عنوان یک سنتی حسنه مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است. اما هنوز ابعاد و زوایای آن به توجه صاحب‌نظران به ویژه اقتصاددانان در نیامده است. سابقه وقف در ایران به قبل از اسلام برمی‌گردد، به طوری که دادن نذورات و وقف اموال به آتشگاه‌ها و معابد در ایران باستان مستداول بوده است. در این دوران عمده‌ترین زمین‌های فئودالی املاک خالصه وقفی بوده و در دوره هخامنشیان، معابد بر املاک وسیعی تسلط داشتند که این زمین‌ها از طرف پادشاه یا بزرگان و فئودال‌های محلی برای جلب پیشوایان مذهبی به پرستشگاه‌ها هدیه می‌شد. کشاورزانی که در این قبیل زمین‌ها به کشت و زرع مشغول بودند، سهم مالکانه را به هیربید یا کاهن بزرگ می‌بایست می‌دادند. سلوکیان و اشکانیان نیز این شیوه را محترم می‌شمردند. ایران در سال ۶۵۱ میلادی به تصرف سپاه اسلام درآمد و بنا به روایتی زمین‌های آن که عنوان «مفتوح‌العنه» به آن اطلاق می‌شد، جزو اراضی موقوفه محسوب گردید. اوقاف در قرون اولیه اسلامی روند معمولی و عمومی خود را داشت تا اینکه در نیمه دوم قرن چهارم هجری دیوان اوقاف ایجاد شد. این دیوان نقشی مشابه وزارتخانه در سازمان اداری امروز را داشت. از جمله وظایف دیوان مذکور کنترل و رعایت مفاد و قفنامه‌ها در خصوص چگونگی بهره‌برداری و نحوه استفاده اوقاف بود.

اگر متولی وقف در این زمینه کوتاهی می‌کرد دیوان مزبور وقف را از او می‌گرفت جبران خسارات را مطالبه می‌کرد. اوقاف در زمان سلجوقیان گسترش نسبتاً زیادی یافت و نظارت ویژه‌ای از طرف حکومت مرکزی بر اوقاف اعمال شد. در این

نقش وقف

در ایجاد کتابخانه در ایران

مرتضی محمدنیا

دوران به خصوص زمان وزارت خواجه نظام الملک موقوفات زیادی به احداث، نگهداری و اداره نظامیه‌ها تعلق گرفت. مغولها بسیاری از املاک موقوفه را مصادره کردند و به صورت املاک خالصه دولتی درآمد، ولی پس از تشریف به اسلام خود مشوق به این کار بودند، به ویژه در دوران غازان خان که موقوفات زیادی را به امور خیریه اختصاص داد. اهمیت و وسعت موقوفات به ویژه در دوران رشیدالدین فضل‌الله موجب شد تشکیلات منظمی برای اداره موقوفات و تحت نظر قاضی القضاات به وجود آید. برای اطلاع بیشتر از اوقاف این دوره می‌توان به کتاب تاریخ مبارک غازانی رجوع کرد. بیشترین اوقاف در دوران صفویه است. در این دوران شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول همه اموال، رقبات و املاک خالصه را وقف کرد. به تبعیت از پادشاه بسیاری از حاکمان مناطق نیز املاک فراوانی را در سر تا سر مملکت به صورت وقف درآوردند. در این دوران بسیاری از املاک، وقف مقاصد خیریه مخصوصاً وقف بقاع متبرکه و از همه بالاتر آستانه امام رضا(ع) در مشهد و حضرت معصومه(س) در قم شد. شاید بتوان گفت در زمان شاه عباس اول بیش از هر دوره دیگری بر تعداد املاک موقوفه اضافه شد. همچنین به دلیل توسعه اوقاف در زمان صفویه تشکیلات نسبتاً وسیعی برای اداره اوقاف ایجاد شد.

میان این نوع بناها کتابخانه‌ها هم از لحاظ کمی و کیفی در جایگاه ویژه قرار دارند، برای اینکه میراث عظیم فرهنگی گذشته محسوب می‌شدند و در زمان خود نیز نزد طالبان ارج و قرب خاص داشتند و به طور کلی برای عموم علاوه بر آگاهی بخش بودن محل مناسب برای سوادآموزی و اشاعه دانش بود و مدارس در جوار همین کتابخانه‌ها قرار داشتند. از جمله مشهورترین مدارس وقفی گذشته، مدارس نظامیه خواجه نظام الملک در قرن پنجم قمری است. البته پیش از ایجاد این نظامیه‌ها نیز مدارس وقفی دیگری وجود داشت، از جمله در تاریخ بیهقی آمده است در عصر سامانیان امام ابو الحسن محمد بن شعیب بیهقی در نیشابور مدرسه‌ای تأسیس کرد و میزانی از اموال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان وقف آن کرد.

خواجه نظام الملک با تأسیس مدرسه نظامیه به این نکته توجه کرده بود که برای مبارزه با دشمنان علاوه بر اقدامات نظامی، فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی نیز لازم است. نظامیه‌های معروفی که نیروی انسانی را تأمین می‌کردند و در تاریخ از آنها نام برده شده، عبارت‌اند از: نظامیه‌های نیشابور، بغداد، اصفهان، آمل، طبرستان، بصره، بلخ، مرو، هرات، موصل و خواف. هر یک از این نظامیه‌ها دارای موقوفات متعددی بود و از درآمد آنها هزینه این نظامیه تأمین می‌شد.

جرجی زیدان درباره حقوق و مزایایی که خواجه نظام الملک برای دانشجویان از محل اوقاف تعیین کرده بود می‌نویسد: برای کلیه طلاب علوم و غیر آنان مقرر و انعام تعیین کرده بود و از شام و دیار کشمیر و عراق عجم و عراق عرب و خراسان تا سمرقند عده کثیری از خوان احسان این وزیر با تدبیر نیکوکار ایرانی بهره‌مند می‌گشت و جمع مقرری‌های او سالی ششصد هزار دینار می‌شد. با دقت در رقم ششصد هزار می‌توان میزان توجه به علم و دانش را در دنیای اسلامی آن روز مشاهده کرد، ضمن آنکه این هزینه از محل بودجه دولتی تأمین نمی‌شده، بلکه از محل اوقاف بوده است. با دقت در این موضوع می‌توان به نقش و اهمیت فراوان اوقاف در تأمین سرمایه انسانی پی برد. ابن جبیر که در قرن ششم قمری می‌زیسته، می‌نویسد: در روزگار اوسی مدرسه در بغداد بود که ساختمان هر کدام از هر کاخی زیباتر می‌نمود، با همه اینها نظامیه بغداد از همه مهم‌تر بود. همه این مدارس با زمین‌ها و مستغلات موقوفه پشتیبانی می‌شدند. از جمله قدیمی‌ترین دارالعلم‌ها، دارالعلم ابوالقاسم جعفر بن محمد موصلی (۳۲۴ ق) از ادیبان و فقیهان بنام شافعی در موصل است. این فقیه موقوفات متعددی بر این دارالعلم وقف کرد که هر دانشجویی می‌توانست با استفاده از نوشت افزار و

وقف برخلاف گذشته در زمان نادرشاه محدود شد، به گونه‌ای که در سال‌های آخر سلطنتش طی فرمانی همه اوقاف به صورت املاک خالصه درآمد و تحت عنوان «رقبات نادری» در دفاتر مخصوصی ثبت شد. با اوضاع و احوال پیش آمده، برخی متولیان فرصت را غنیمت شمردند و وقفی بودن املاک تحت تولیت خود را انکار کردند یا برای دور داشتن آنها از تصرف دولت اوقاف را به نام خویش ثبت می‌کردند. پس از زمان نادرشاه حرمت و قداست اوقاف و قبح موقوفه خواری از بین رفت و در واقع از آن تاریخ به بعد هیچ‌گاه اوقاف عظمت و شکوه قبلی خود را بازیافت. بعد از مشروطیت نیز با وجود ایجاد وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه سیاست خاص و سازنده‌ای درباره اوقاف به اجرا درنیامد. در سال‌های ۱۳۳۰ قانون فروش املاک موقوفه و در جریان اصلاحات ارضی اجاره طولانی مدت ۹۹ ساله پیش بینی شد که این قوانین به دلیل مخالفت رهبران مذهبی به صورت کامل به اجرا درنیامد و تنها بهانه‌ای برای از بین رفتن تعدادی از اوقاف شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دی‌ماه ۱۳۶۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و نام آن به «سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» تغییر یافت، ولی نقش و وظایف و تشکیلات آن به گونه‌ای که با نیازها و تحولات جدید سازگار باشد، تغییر چندانی نیافت. وقف از دوراه می‌تواند مؤثر باشد:

- نفس استقلال و رشد و توسعه اقتصادی (مبتنی بر موازین اسلامی) که به طور طبیعی موجب رفاه عمومی و زدودن دست کم کاهش چشمگیر فقر و محرومیت و آثار شوم آن در جامعه خواهد شد. کیست نداند کشوری که دچار رکود اقتصادی است یا از اقتصادی وابسته برخوردار است نمی‌تواند در جهت رفاه عمومی و عدالت اجتماعی گامی مثبت و مؤثر بردارد.

- بخش عمده مواد مصرفی که واقفان دورنگر و نیکوکار در طول تاریخ وقف در نظر گرفته‌اند، به رفاه عمومی و فقرزدایی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. اگر ما نگاهی هر چند گذرا به تاریخ وقف و مضمون وقف‌نامه‌ها ببیندازیم، به خوبی درمی‌یابیم که واقفان خیر و دوراندیش تمام زوایا و جوانب نیازها را در نظر گرفته‌اند.

اماکن وقفی یا عام المنفعه

نگاهی به تاریخ گذشته معلوم می‌کند بعد از ورود اسلام به ایران بیشتر اماکن و بناهایی که استفاده عمومی داشتند وقفی بودند، اگرچه در ابتدا ممکن است متعلق به شخص خاص بوده باشد. از

کمک هزینه نقدی در آنجا مقیم شود و از امکانات آن استفاده کند. از این تاریخ به بعد کتابخانه های وقفی در کشورهای اسلامی رواج فراوان یافت به گونه ای که کمتر شهری یافت می شد که خالی از کتابخانه های وقفی باشد. یاقوت حموی درباره گنجینه های کتب وقفی یکی از شهرهایی (مرو و شاهجان) که از آن بازدید کرده می نویسد: دسترسی به کتب آنها آسان بود و اقامتگاه من هیچگاه از حدود دوست جلد از این کتب خالی نبود که بیشتر آنها را بدون سپردن وثیقه دریافت کرده بودم. از قرن چهارم به بعد کمتر شهری یافت می شد که کتابخانه های وقفی نداشته باشد. تعداد این کتابخانه ها در اندلس به حدی رسیده بود که ابوحنیفان نحوی بر خریدار کتاب عیب می گرفت و می گفت: خداوند به تو عقل معاش بدهد، چرا کتاب می خری، من هر کتابی را می خواهم از کتابخانه وقفی به امانت می گیرم.

علاوه بر نظامیه ها، درالملم و کتابخانه های بزرگ و متعددی در کشورهای اسلامی از محل اوقاف به وجود آمده بود که وظیفه نشر و گسترش علوم را به عهده داشتند. البته وقف به این موارد ختم نمی شود. مصطفی السباعی ۲۸ مورد را برمی شمرد که برای آنها وقف شده است. مساجد، مدارس، کتابخانه های عمومی، بیمارستان ها، نوانخانه ها، آب انبارها، غرس اشجار، و درختان میوه برای زیبایی شهر و استفاده عابریان، درمان روانی بیماران و... از این قبیل اند. اوقاف با کمک در تأمین خدمات عمومی، هزینه های دولت را تقلیل و نیاز دولت را جهت استفاده از وجود استقراضی کاهش می دهد. پس می توان استدلال کرد اوقاف حتی در چارچوب ابزارهای متعارف می تواند وسیله ای کارا در جهت تقلیل اثر دفع از دحامی و کاهش میزان بهره باشد. به نظر می رسد یکی از راه های حذف ربا در جوامع اسلامی تعمیم و توسعه اوقاف است، هر چند متأسفانه اقتصاددانان اسلامی تا به حال به این نکته توجهی نکرده اند و حتی در همایش های بین المللی که درباره ویژگی های وقف تشکیل شده، به آن عنایتی نشده است.

کتابخانه های وقفی

برای همه صاحبان اندیشه بدیهی و مشخص است که مقوله کتابخانه وقفی بسیار گسترده تر از آن است که بتوان در یک مقاله به آن پرداخت و همه زوایای آن را نشان داد، زیرا پرداختن به آن شاید شامل چندین جلد کتاب بشود. در این مقاله می توان به شمه ای از نقش وقف در شکل گیری کتابخانه ها اشاره کرد. بدون تردید کتاب و کتابخانه از عوامل اصلی نهضت فرهنگی و گسترش تعالیم و معارف اسلامی بوده و هست و غالباً کتابخانه هایی که تأسیس می شده، از راه وقف بوده است و از

این جانفش وقف در کتاب و کتابخانه نیز روشن می شود. یحیی محمود ساعاتی از عبدالله جبوری نقل کرده است که علاقه علمای اسلام به فراگیری علم موجب شد آن دسته از فقها که وقف اشیای غیرمنقول را جایز نمی دانستند، در این باره قائل به استثنا شوند. وقف کتاب یا کتابخانه یکی از موارد وقف در جوامع مسلمین بوده که با وقف مصاحف (قرآن ها) آغاز شد. برخی فقها وقف کتاب را در ابتدا نپذیرفتند و به سبب آسیب پذیری آن را با اصل دائمی بودن استفاده از مال وقفی مغایر می دانستند، لیکن سرانجام فقها وقف مصاحف و کتب را پذیرفتند. گاه وقف کتاب برای استفاده اشخاص معین (مثل افراد خانواده) صورت می گرفت، در این صورت به آن وقف خاص می گفتند. نوع دیگر وقف نیمه عمومی یا شبه عام بوده و در آن کتاب یا کتابخانه برای گروه های حرفه ای (مانند طلاب علوم دینی و پزشکان) یا پیروان و علمای مذهب خاصی وقف می شد. گاهی نیز کتاب وقف مکانی خاص مانند مسجد، مدرسه، خانقاه، آرامگاه و بیمارستان می شد. نوع سوم وقف عمومی کتاب و کتابخانه یا وقف برای طالبان علم یا برای جمیع مسلمانان است.

نخستین کتابخانه ها

جرجی زیدان معتقد است عرب ها در اواخر سده دوم فقط علوم اسلامی را مدون کردند. البته جرجی زیدان در این بیان به تدوین کتب از سوی اهل سنت نظر دارد که در این اتفاق نظر وجود ندارد، مثلاً علمای امامیه تاریخ تدوین فقه، حدیث و... را به صدر اسلام می رسانند و برآند علی (ع) و... به این کار دست زده اند.

زیدان بعد می گوید نخستین فرمانروایانی که به تأسیس کتابخانه های عمومی دست زدند خلفای عباسی بودند، گرچه در زمان بنی امیه نیز کتابخانه هایی بود، ولی آنها بیشتر به اهتمام پزشکان و فیلسوفانی که در خدمت دولت بودند، تأسیس می شد و خود و فرزندان شان استفاده می کردند. نخستین کتابخانه عمومی را در بغداد دایر کردند و آن را بیت الحکمه نامیدند که هارون مؤسس آن می باشد. دانشمندان مسلمان در این کتابخانه به ترجمه و استنساخ نیز مشغول بودند. مأمون عباسی از نظر تأسیس کتابخانه عمومی و نهضت علمی برای سایر فرمانروایان اسلامی سرمشق هست. ساعاتی نقل کرده است نخستین کتب وقفی را می توان در کتابخانه عبدالحکیم حجاجی که وی آن را در قرون اول قمری در مکه مکرمه تأسیس نموده، جستجو کرد. وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی پس از خلفای عباسی به

ویژه خلفای اندلس به تقلید از مأمون بود. بیش از همه خلفا، حکم بن ناصر (که در سال ۳۵۱ خلیفه شد) بود. به طوری که ابن خلدون و مقریزی تعداد کتاب‌های کتابخانه کاخ سلطنتی اندلس را چهارصد هزار جلد دانسته‌اند... و بعدها تنها در غرناطه هفتاد کتابخانه عمومی وجود داشت.

جرجی زیدان درباره کتابخانه دومین خلیفه فاطمی مصر (که در سال ۳۶۵ ق خلیفه شد) می‌نویسد: وی با تشویق وزیر دانش پرور و کتاب دوستش، یعقوب بن کلس، کتابخانه‌ای تأسیس کرد که نام آن «خزانة الکتب» و دارای یک میلیون و ششصد هزار جلد کتاب بوده است. وی درباره کتابخانه بزرگ شام که خلفای فاطمی آن را تأسیس کردند و فرنگیان در سال ۵۰۲ قمری پس از فتح طرابلس آن را غارت کردند، از کیسون مؤلف تاریخ امپراتوری روم نقل کرده است که «سه میلیون کتاب آن کتابخانه را فرنگیان سوزاندند».

ساعاتی می‌نویسد: از قرن چهارم قمری به بعد کتابخانه‌های وقفی در سراسر جهان اسلام رواج یافت، به درجه‌ای که کمتر شهری یافت می‌شد که خالی از کتابخانه وقفی باشد... تعداد این کتابخانه‌ها در اندلس به حدی رسیده بود که ابوحنیفان نحوی به خریدار کتاب عیب می‌گرفت و می‌گفت: خدا به تو عقل معاش دهد، چرا کتاب می‌خبری، من هر کتابی بخواهم از کتابخانه‌های وقفی امانت می‌گیرم. ساعاتی درباره کتابخانه فیروزآباد فارس اظهار داشته است: این کتابخانه را وزیر قوام الدوله عمادالدین ابو منصور فرزند مافنه (متوفای ۴۳۳ ق) تأسیس کرد که دارای نوزده هزار جلد کتاب بود و آن را وقف طالبان علم کرده بود. در حال حاضر نیز در سر تا سر کشورهای اسلامی کتابخانه‌های غنی و مجهز وجود دارند که تشنگان معارف و دانش را سیراب می‌نمایند. در کشور ما نیز کتابخانه‌های بسیار ارزشمندی مشغول ارائه خدمت هستند که گنجینه‌های عظیمی از میراث ارزشمند و گرانبهای اسلامی را در خود جای داده‌اند. کتابخانه‌هایی که تنها فهرست کتب خطی بعضی از آنها به ده‌ها مجلد می‌رسد.

از این میان کتابخانه آستان قدس رضوی قدیمی‌ترین کتابخانه وقفی است که تا به امروز پابرجاست و به عموم عاشقان علم و معرفت خدمت‌رسانی می‌کند و به کتابخانه «گنج هزار ساله» معروف است. به کتابخانه ملی، کتابخانه آیه الله العظمی نجفی قم و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و... نیز می‌توان اشاره کرد. امروزه هیچ محقق و دانشمند و کاوشگر، چه در علوم انسانی و چه در علوم تجربی... نمی‌تواند ادعا نماید که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مدیون همین کتاب‌ها و کتابخانه‌های

وقفی نمی‌باشد. صاحبان این نوع کتابخانه‌ها و کسانی که کتاب و کتابخانه وقف می‌کردند، منبع درآمدی را که رقبه نامیده می‌شد، مانند خانه، مغازه، یا باغ وقف آن می‌کردند تا صرف نگهداری و مرمت کتاب‌ها، ساختمان کتابخانه و پرداخت حقوق کارکنان شود. به هنگام وقف سندی تهیه می‌شود که وقف‌نامه نام دارد و در آن نام ملک یا املاک موقوفه و نام واقف و محل و خصوصیات رقبات و چگونگی مصارف آنها و نام متولی و نحوه تعیین متولیان بعد از متولی اول بیان می‌شود. راه‌های اعلان وقف کتاب به سه صورت بود:

- نوشتن متن وقف‌نامه بر روی جلد کتاب. این روش یکی از ابتدایی‌ترین شیوه‌هاست. وقف با وقف‌نامه‌های کوتاه روی کتاب آشکار می‌شود که در آن نام واقف و تاریخ وقف نیز می‌آید. از صفحه‌عنوان و صفحه آخر کتاب برای نوشتن وقف‌نامه استفاده می‌کردند. صیغه‌های وقف از لحاظ اسلوب، لغت، اختصار و ارائه اطلاعات مختلف درخور توجه است.

- تنظیم اسناد وقف. در این حالت اسناد شرعی‌ای تنظیم می‌شد و در محاکم به ثبت می‌رسید و شاهدان بر آنها گواهی می‌دادند و متضمن آن بود که کسی مجموعه‌ای از کتب را به کتابخانه‌ای مستقل یا مدرسه یا مسجد یا کاروانسرای وقف کرده و دارای شرایطی است که باید در اداره وقف از آن پیروی شود. این اسناد نشان‌دهنده موقوفاتی است که برای استفاده پرمدت وقف شده‌اند. گاه وقف‌نامه دربردارنده عناوین کتب وقف شده نیز بود. در این صورت وقف‌نامه به شکل کتابی جلد شده درمی‌آمد.

- زدن مهر وقف بر صفحه‌عنوان و دیگر صفحات کتاب. این مهر نام واقف یا محل وقف کتاب را بر خود داشت. این مهرها دایره، بیضی، مربع در اندازه‌های بزرگ و کوچک و در زمینه سیاه و حروف سفید یا زمینه سفید و حروف سیاه‌کنده کاری و به رنگ‌های سبز، آبی آسمانی یا خاکستری بودند.

متن وقف‌نامه‌های کتاب‌ها و کتابخانه‌ها معمولاً مشتمل بر آیات و احادیث در باب ثواب وقف، موضوع وقف (ساختمان کتابخانه، اسامی کتب یا تعداد آنها)، نام واقف یا وکلای او، جایگاه و مورد استفاده وقف، نام متولی، شرایط و سفارشات واقف، صیغه و تاریخ وقف بود. از جمله این نوع کتابخانه‌های وقفی می‌توان به بیت‌الکتب ربیع رشیدی (قرن ۸ ق = ۱۳ م)، کتابخانه سپهسالار (۱۲۸۳ ق) که هر دو دارای وقف‌نامه هستند، کتابخانه مسجد جامع اصفهان (قرن ۶ ق)، کتابخانه رباط مرو (قرن ۶ ق) و کتابخانه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (قرن ۸ ق) اشاره کرد. کتابخانه آستان قدس رضوی دارای مجموعه وقفی

مطالعه در کتابخانه اش قرار می داد. ابوالفرج اصفهانی در الاغانی می نویسد: «در کتابخانه ابن عباد ۱۱۷۰۰۰ جلد کتاب نفیس بود که بیشتر آثار زمانه را دربر داشت و برای تکثیر نوشته ای باید استنساخ می شد، کاری بس دشوار و مستلزم هزینه و صرف وقت زیادی بود». معجم الادباء (ج ۶) و روضات الجنات (ج ۲) و بسیاری از منابع از شکوه و عظمت این کتابخانه گفته اند. آمار مختلفی از تعداد کتاب های موجود در کتابخانه عباد نقل می کنند، چون ۲۰۶ هزار، ۱۴۰ هزار. همگی آمار فسوق می تواند صحیح باشد، چون صاحب ابن عباد دوره های زندگی مختلفی داشت. ولی همه منابع تعداد فهرست آن را مشتمل بر ده مجلد دانسته اند که برای حمل کتاب های مذهبی آن بالغ بر چهار شتر نیاز بود. ثعالبی در یتمه الدهر می گوید که ابوالحسن محمد بن الحسین فارسی النحوی از صاحب نقل می کند که نوح بن منصور سامانی پادشاه خراسان نامه ای برای من فرستاد و مرا به خراسان دعوت کرد و گفت اگر به خراسان بروم مرا وزارت می دهد و من در پاسخ عذرهای گوناگون گفتم، از جمله برای حمل کتابخانه ام به چهارصد شتر نیاز دارم تا چه رسد به اسباب و لوازم دیگر. ابن عباد کتابخانه نفیس خود را وقف عام کرد و استفاده از آن برای عموم مردم آزاد بود.

بسیاری از محققان و دانشمندان از آن گنجینه بزرگ و باارزش استفاده فراوان کردند، از جمله مقدسی جغرافیدان مشهور بارها برای تکمیل یافته های خود به آن کتابخانه مراجعه کرد و از آن بهره ها گرفت. مؤلف تاریخ قم می نویسد پیش از صاحب رسم پادشاهان و وزیران آن بود که کتب خود را همانند زر و سیم در گنجینه ای نهان می کردند و دانشمندان و شیفتگان را از رفتن به کتابخانه برای مطالعه محروم می نمودند. سرانجام آن کتابها طعمه خاک گشت و از بین می رفت. اما صاحب ابن عباد بدون هیچ چشم داشتی تمام کتاب ها و دفاتر را وقف عام کرد و در اختیار مشتاقان قرار داد. بعدها این کتابخانه پایه و اساس کتابخانه عمومی ری شد و دارالکتب ری نام گرفت. این کتابخانه مقارن با قرن دهم میلادی یعنی قرن وسطی تأسیس شد، دورانی که در اروپا و دنیای غرب عصر تاریک خوانده می شد.

کتابخانه شیخ بهائی

شیخ بهاء الدین عاملی، معروف به شیخ بهائی از دانشمندان و متفکران و نویسندگان دوره شاه عباس بود و کتابخانه معظم و خوب داشت. الفندی در شرح حال ظهر الدین ابراهیم بن قوام الدین حسین همدانی از کتابخانه شیخ یاد می کند. اکنون در آرامگاه شیخ بهائی در جوار مرقد مطهر امام رضا(ع) که در دوره

باارزشی است و نیز سیزده کتابخانه تابع موقوفه اختصاصی در شهرهای مختلف دارد، از جمله کتابخانه و موزه ملی ملک در تهران، کتابخانه وزیری یزد و کتابخانه هرنندی کرمان. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با مجموعه های وقفی حسنعلی غفاری، علی اصغر حکمت و حمید سیاح، کتابخانه دانشگاه اصفهان با مجموعه های وقفی محمدباقر الفت و محمد صدر هاشمی از دیگر کتابخانه ها با مجموعه های وقفی هستند.

در شکل گیری مجموعه کتابخانه ملی ایران کسانی از جمله میرزا حسینعلی خان محتشم حضور، احتشام السلطنه، میرزا تقی خان ولد بصیر الممالک، سیف السلطنه، نصره السلطان، تقی خان بینش، مقدم الملک، و مرحوم ندمایی سهیم بودند و کتبی را به کتابخانه اهدا کرده اند. مرحوم ندمایی اموال خود را وقف کتابخانه (ملی) کرد و رضاشاه را متولی آن قرار داد. کسانی از جمله محمد تقی دانش پژوه، ایرج افشار و سید حسن مدرس طباطبایی به شناسایی و معرفی و قفنامه های کتاب ها و کتابخانه ها پرداخته اند. کار آنان به شناسایی تاریخ کتابخانه و کتابداری در ایران کمک فراوان کرده است. و قفنامه ها یا قیفه هایی که درون بسیاری از کتب به یادگار مانده بر وجود کتابخانه در زمان و مکان های مختلف دلالت می کند. با مطالعه و قفنامه های کتاب و کتابخانه ها می توان به اطلاعات تاریخی فراوانی در این زمینه دست یافت. اکنون به تاریخچه مختصر چند کتابخانه که بر اساس وقف شکل گرفتند اشاره می کنیم:

کتابخانه صاحب ابن عباد

ابوالقاسم اسماعیل بن عباد از مورخان و سخنوران مشهور قرن چهارم قمری است و در سال ۳۲۶ قمری در طالقان متولد شد. اگرچه شهرت وی در زمینه سیاسی و مذهبی بیشتر است، اما نقش مهم و ارزنده ای نیز در تاریخ فرهنگ کشورمان داشته است. پس از مرگ رکن الدوله، پسرش مؤید الدوله دیلمی همراه با کاتب و دوست نزدیک خود یعنی اسماعیل بن عباد وارد اصفهان شد و به سبب همین مصاحبت او را صاحب لقب دادند. در مجلس درس او دانشمندان زیادی که خود از نظر علمی مطرح بودند شرکت می کردند و از اطلاعات و دانش او بهره می بردند. چنین شخصی برجسته و فرهیخته در شهر ری کتابخانه ای پایه گذاری کرد که بعدها از معتبرترین کتابخانه جهان اسلام به شمار می رفت. چنان که گفته شد ابن عباد مردی دانشمند و فرهیخته و نویسنده ای ارجمند و اهل مطالعه بود و به گردآوری کتاب علاقه وافری داشت. هرگاه از تألیف جدیدی آگاهی می یافت با سعی تمامی نسخه ای از آن به دست می آورد و برای

پهلوی بنا گردید، کتابخانه‌ای برای آثار و تألیفات و کتابهایی که دربارهٔ شیخ بهائی نوشته شده، فراهم آمده که از نظر تحقیقاتی بسیار ارزنده است. شاه عباس به این دانشمند توجه فراوان داشت و مدتی او را مأمور سر و سامان دادن به کتابخانه آستان قدس رضوی کرد که به تاراج از بکان درآمد بود. شیخ بهائی بسیار از کتاب‌های به غارت رفته را برگرداند و مقداری زیادی از کتاب‌های خود را وقف کتابخانه آستان قدس کرد. ابن خاتون که یکی از دانشمندان دورهٔ شیخ بود، تعدادی از کتاب‌های خود را به کتابخانه آستان رضوی اهدا کرد.

کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی (گنجینه شهاب)

کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی از کتابخانه‌های مهم و معتبر ایران است. این کتابخانه به لحاظ ویژگی‌های کم نظیرش مورد توجه محققان، پژوهشگران و دانشمندان و مستشرقان سراسر جهان است که در شهر مقدس و مذهبی قم و در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه (ع) قرار گرفته است. مؤسس و بنیانگذار این کتابخانه عظیم و بی نظیر، فقیه و مرجع تقلید شیعیان جهان، بزرگ فرهنگیان میراث اسلامی، عالم اصولی، محدث رجالی، ادیب اریب، تبارشناس برجسته، محقق و مورخ حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی در صبحگاه بیستم صفر ۱۳۱۵/۲۱ ژوئیه ۱۸۹۷ در نجف اشرف در خانواده‌ای سرشناس و علمی و مذهبی زاده شد. یکی از برجسته‌ترین خدمات فرهنگی آیه الله مرعشی نجفی بنیاد کتابخانه بزرگی است که در جهان از شهرت و اعتبار ویژه برخوردار است. با این کار سترگ، ایشان یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های فرهنگی تاریخ ایران و اسلام را رقم زده است. از این رو در مجامع علمی، فرهنگی و تحقیقی جهان از وی با نام بزرگ فرهنگیان میراث اسلامی یاد می‌شود. وی پس از نزدیک به یک قرن کوشش در جهت اشاعه فرهنگ اسلامی و احیای تفکرات شیعی و خدمات ارزنده علمی و اجتماعی، سرانجام در چهارشنبه هفتم صفر ۱۴۱۱ هفتم شهریور ۱۳۶۹/۲۹ آگوست ۱۹۹۰ در ۹۶ سالگی بر اثر سکته قلبی دیده از جهان فرو بست. بر حسب وصیتشان که مرقوم فرموده‌اند: «مراد راهروی ورودی کتابخانه زیر پای محققانی که برای مطالعه و تحقیق به این کتابخانه مراجعه می‌کنند دفن نمایند». وی در راهروی کتابخانه بزرگی که خود آن را بنیاد نهاد به خاک سپرده شد. بنیانگذار این کتابخانه تمام کتاب‌های خود را که بسیاری از آنها نفیس و ارزشمند است، وقف عام کردند.

منابع

۱. ساعتی، یحیی محمود: وقف و ساختار کتابخانه اسلامی کاوشی در میراث فرهنگی اسلام، ترجمه احمد امیری شادمهری، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴، ص ۱-۶۰.
۲. کتاب و کتابخانه در اسلام (مجموعه مقالات)، گردآوری کاظم مدیر شانه‌چی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴، ص ۹۵.
۳. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، گردآورنده: محمد فرح‌زاد، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۹، (ج ۱، ۳۸۰-۴۴۰).
۴. کتابخانه ملی و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران، دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ (ج ۲).
۵. سلیمی‌فر، مصطفی: نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۶. زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
۷. مزینانی، علی: کتابخانه و کتابداری، سمت، تهران، ۱۳۷۶.
۸. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، رده BP اسلام، کتابخانه ملی و مرکز اسناد، تهران، ۱۳۷.



9. WWW.http://iran Newspaper.htm.Mon, Apr 18, 2005.